

بررسی فقهی ماهیت و اوصاف قراردادهای تهاتری^۱

* یاسر عبدی

** مرتضی نصیری

*** مرتضی شهبازی‌نیا

**** فخرالدین اصغری آقمشهدی

چکیده

قرارداد تهاتری عبارت است از روش مشروط واردات کالا یا خدمات به صدور کالا یا خدمات دیگر به کشور فروشنده و مبادله آنها بجای فروش در مقابل پرداخت ارز خارجی است. در خصوص قراردادهای نوین تجارت بین‌المللی از جمله قراردادهای تهاتری در فقه بحثی به میان نیامده است لیکن در مورد ماهیت و اوصاف این مبادلات در فقه و حقوق داخلی نهادهای مشابهی وجود دارد. این مقاله با بررسی نهادهای حقوقی مشابه و نیز با مراجعه به فقه به توجیه و تبیین این مسأله می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که قراردادهای تهاتری با توجه به دامنه گسترده اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها در حقوق و نیز با توجه به پذیرش این اصل در فقه، یکی از انواع قراردادهای پذیرفته‌شده در ماده ۱۰ قانون مدنی می‌باشد و تراضی طرفین برای لزوم و صحت این قراردادها کافی است و تحت عموم آیه «اوفوا بالعقود» قرار می‌گیرد. از طرفی دیگر، با توجه به ماهیت قراردادهای تهاتری می‌توان اوصافی از قبیل هدف مشترک، عقد مرکب، لزوم، منجز بودن و معوض بودن را از اوصاف مشترک بین قراردادهای تهاتری عنوان نمود.

کلید واژه‌ها: قرارداد تهاتری، ماهیت، فقهی، حقوقی، اوصاف.

۱- تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۲/۱۷

* دکتری گروه حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران dryasserabdi@gmail.com

** دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

*** دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

**** استاد گروه حقوق خصوصی دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

۱- مقدمه

امروزه معاملات از سیستم ساده پایاپای به سیستم پیچیده بانکی تکامل پیدا کرد و مفهوم پول نیز تکامل یافت و به مهمترین ابزار جامعه مبدل گشت. لیکن سیستم پولی فعلی تا رسیدن به یک سیستم کامل هنوز فاصله زیادی دارد. با این وصف، همچنان که اوضاع مالی جهان نابسامان و مشکلات تجاری رو به افزایش می‌باشد، باعث گردیده است که برای مفروضات و اصول اقتصادی که در طول سالهای متمادی بوجود آمده است، روش دیگری برای رهایی از این مشکلات اتخاذ گردد. یکی از این روش‌ها، قراردادهای تهاتری است که می‌تواند گامی دیگر در جهت بهبود شیوه‌های معاملاتی باشد که در بردارنده‌ی ترتیبات بازرگانی گوناگونی است که در آن پرداخت به صورتی غیر از روش نقدی صورت می‌گیرد.

از سوی دیگر، بانکداران و مقامات دولتی از قراردادهای تهاتری تفسیر درستی نداشته‌اند و اغلب این واژه را به مفهوم بسیار ساده آن دریافته‌اند یعنی شیوه‌ای که تنها در روابط بازرگانی شرق و غرب از آن استفاده می‌شود اما امروزه جهت این روابط در همه جای دنیا گسترش یافته است و مفهومی بسیار وسیع‌تر دارد (ولت، ۱۳۶۵، ۳۸).

بنابراین، تا قبل از پیدایش پول، معاملات غالباً به صورت پایاپای صورت می‌گرفت و متعاقباً با شکل‌گیری سیستم بانکی و ایجاد اشکال متعدد پول، معاملات نقدی توسعه چشمگیری پیدا نمودند ولی با وجود این، در سه دهه اخیر، معاملات تهاتری توسعه فراوانی یافته‌اند. علی‌رغم تصور عمومی مبنی بر اینکه معاملات تهاتری شیوه‌ای ناکارآمد نسبت به تجارت مستقیم است، رشد این نوع معاملات در سال‌های اخیر و همچنین حجم بالای آن نشان‌دهنده این است که این معاملات نه تنها ناکارآمد نیستند بلکه در شرایطی خاص بر معاملات مستقیم ترجیح دارند. در سال ۱۹۷۲ تنها ۱۵ کشور در دنیا از معاملات متقابل استفاده می‌کرده‌اند، این رقم در سال ۱۹۷۹ به ۲۷ و در اوایل دهه نود میلادی به حدود ۱۰۰ کشور رسیده است (اصغرزاده، ۱۳۷۴، ۳۳). اکنون نیز تخمین زده می‌شود که ۱۴۰ کشور در ارتباط با معاملات تهاتری باشند به طوری که سهم معاملات تهاتری در روابط بین‌الملل از حدود ۴٪ در سال ۱۹۷۵ به حدود ۵۰٪ در سال ۲۰۰۰ میلادی رسیده است تاجایی که برخی ارزش این معاملات را از ۲۵ تا ۵۰ درصد کل تجارت جهانی می‌دانند (Latif, 1985, 5).

معاملات تهاتری برای کشورهای در حال توسعه روش مناسبی است. به ویژه در کشورهایی که

با کمبود نقدینگی مواجه هستند، صادق می‌باشد. به همین دلیل به منظور به حداقل رساندن استفاده از ارز آزاد و قابل تبدیل، استفاده از اعتبار متقابل و امکانات سیستم بانکی کشورها، رسیدن و دستیابی به اهداف صنعتی شدن، توسعه سطح استاندارد و کیفیت کالاهای ساخته شده و فرآورده‌ها، پرهیز از خطر نوسانات نرخ ارز، ایجاد اتحاد میان کشورها و طرف‌های متقابل، مدیریت و ترکیب زیربنایی در ارتباط با محصولات و نهایتاً آزادسازی اقتصاد از وابستگی به یک محصول خاص و به عبارت دیگر رهایی از اقتصاد تک محصولی، سیاست چنین دولت‌هایی به سوی استفاده و به کارگیری شیوه‌های مختلف معاملات تهاتری جهت‌گیری می‌نماید. بنابراین، کشورهای در حال توسعه به علل کمبود ارز، جلب سرمایه‌گذاری خارجی، نداشتن تکنولوژی روز، افزایش روز افزون اشتغال و به طور کلی جهت توسعه کشور به شیوه‌های مختلف مبادلات تهاتری متوسل شدند. دلیل اصلی این امر هم استفاده کمتر از ارز معتبر و کمیاب است و از عواملی که کشورهای در حال توسعه خصوصاً کشورهای کوچک را ناچار به انجام چنین مبادلاتی می‌سازد، فرار از نوسانات نرخ ارز است. همچنین عامل دیگر در انجام مبادلات تهاتری، استفاده از سیستم بازاریابی پیشرفته کشورهای توسعه یافته است که کشورهای کوچک می‌توانند بدون سرمایه‌گذاری در این بخش از امکانات کشور طرف قرارداد خود استفاده کنند (لئو. جی. بی. ولت، ۱۳۶۵، ۴۱-۴۰).

بنابراین، قراردادهای تهاتری علاوه بر کمک به توسعه تجاری، متنوع ساختن محصول و فرار از کمبود ارز معتبر، می‌تواند کمک مفیدی به اصلاح توازن صنعتی، تراز تجاری و تراز پرداخت‌ها باشد. شاید به همین دلیل بوده است که در برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، مبلغ ۱۰ میلیارد دلار برای این منظور اختصاص داده شده بود. قراردادهای تهاتری ابتدا توسط کشورهای سوسیالیستی مورد استفاده قرار گرفت تا به فناوری و دانش فنی کشورهای صنعتی دسترسی پیدا کنند و از طرفی دیگر بتوانند کالاهای ساخته شده خود را به بازارهای کشورهای صنعتی روانه کنند (Blum, 1987, 38).

نمونه‌هایی از این نوع قراردادها را می‌توان در بین روسیه، کشورهای اروپای شرقی و چین با کشورهای صنعتی مشاهده نمود (Hennart, 1990, 259). امروزه این نوع قراردادها منحصر به کشورهای سوسیالیستی نیست و کشورهای زیادی در سطح جهان از این روش استفاده می‌کنند. در دهه ۱۹۸۰ به علت طبیعت مرموزی که داشت، به طور اسرارآمیزی انجام می‌شد. چه آنکه، مسؤولین و

صاحبان شرکت‌ها و کارخانه‌هایی که به شیوه تهاطری مبادلات قابل توجهی را انجام می‌دادند، حاضر به افشای معاملات خود نبودند. زیرا می‌ترسیدند که سایر خریداران بالقوه بر انجام چنین معاملاتی پافشاری کنند و از طرف دیگر مایل نبودند رقبای آنها از چگونگی انجام این معاملات مطلع گردند اما با همه این اوصاف رفته رفته انجام این نوع معامله بیشتر و بیشتر شد (Dick, 1987, 1).

بنابراین، مبادلات تهاطری به عنوان یک پدیده بسیار مهم در تجارت بین الملل، مخصوصاً از اواسط دهه ۱۹۷۰ میلادی مطرح گردید و در سطح وسیع آن اولین بار پس از جنگ جهانی اول ظهور یافت. آلمان در دوران جمهوری وایمار و در شرایطی که پول کشور در اثر بی‌ثباتی بیش از حد نمی‌توانست وسیله مبادله خارجی قرار گیرد، به شیوه تهاطری متوسل گردید. در آن زمان کشور آلمان با مشکلات عدیده اقتصادی روبه رو بود و تورم بالا باعث شده بود پول آنها چنان بی‌ارزش شود که دیگر توانایی معامله با آن را به خصوص در عرصه بین‌المللی نداشته باشند و در نتیجه به سمت استفاده از مبادلات تهاطری روی آورد. به این ترتیب این کشور توانست اقتصاد خسارت‌دیده از جنگ را دوباره به حالت عادی و سالم بازگرداند. سایر کشورهای اروپایی نیز سیستم تهاطری و ترتیبات تسویه بین المللی را به عنوان وسیله ای جهت کمک به بهبود اوضاع اقتصادی بعد از جنگ به کار گرفتند (حسن بیگی، ۱۳۸۱، ۶).

جالب توجه اینکه قراردادهای یاد شده از بدو استفاده مورد نقد جدی و بحث و گفتگو در محافل و مجالس مختلف علمی، اقتصادی و حقوقی قرار گرفته و با همه انتقاداتی که بر آن وارد شده، به لحاظ جایگاه قانونی ویژه آن، نسبتاً مقبولیت عام یافته است. از سوی دیگر با تصویب قانون تشویق و حمایت سرمایه‌گذار خارجی و استقبال سرمایه‌گذاران خارجی از مزایای حمایتی این قانون، تلاش سرمایه‌گذاران خارجی و مشاوران داخلی آنان در جهت تلفیق مقررات با پوشش‌های قانونی یاد شده و نیز امکان استفاده از سایر قراردادها افق روشنی را در این زمینه ایجاد نموده است (صابر، ۱۳۸۶، ۲۴۶). علاوه بر توسعه معاملات تهاطری در عرصه بین‌الملل، امروزه این معاملات به صورت گسترده‌ای در عرصه داخلی کشورها نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. براساس آمار مؤسسه بین‌المللی همکاری‌های چند جانبه (IRTA) هم اکنون بیش از ۴۰۰ شرکت در کشورهای مختلف دنیا در حال اداره بازارهای تهاطری هستند (www.irta.com).

بنابراین، به طور خلاصه می‌توان اذعان نمود که مبادلات تهاطری، که تا قبل از سال ۱۹۷۲ رقم

بسیار ناچیزی از معاملات بازرگانی در کشورهای سرمایه‌داری غرب را شامل می‌شد، به لحاظ مشکلات ارزی کشورهای جهان سوم و کشورهای صنعتی اروپای شرقی، در حال حاضر بسیار شایع شده است و دیگر خاص معامله با کشورهای سوسیالیستی نیست و می‌توان نتیجه گرفت که مبادلات تهاتری در شرایطی که لاقلاً یکی از کشورهای طرف معامله مواجه با مضیقه‌ی ارزی باشد، مورد استفاده واقع می‌شود زیرا اگر این قبیل کشورها مقررات محدود کننده انتقال ارز نداشته باشند، معاملات ارزی بهترین و مطمئن‌ترین طریق خرید و فروش بین‌المللی است.

لذا با توجه به اهمیت موضوع و دامنه گسترش آن و نظر به اینکه در خصوص قراردادهای نوین تجارت بین‌المللی در فقه بحثی به میان نیامده است، این مقاله با بررسی نهادهای حقوقی مشابه و نیز با مراجعه به فقه به توجیه و تبیین ماهیت و اوصاف قراردادهای تهاتری بر طبق قواعد و اصول کلی فقهی حقوقی می‌پردازد.

۲- تعریف

ابتدا یادآوری می‌نماید که در اینجا به ناچار اصطلاح قرارداد تهاتری در مقابل واژه‌ی Counter Trade Contracts که واجد مفهوم گسترده‌تری می‌باشد، به کار برده شده است. چه آنکه در واژه‌های بازرگانی و بانکی به زبان فارسی، انواع معاملات بازرگانی بین‌المللی که به موجب آن خرید و فروش در مقابل انتقال ارز انجام نمی‌شود به عنوان تهاتری شناخته شده است، که معادل خارجی آن اصطلاحاً Barter است. لیکن معامله تهاتری در این مفهوم - یعنی Barter - خود یکی از مصادیق قراردادهای تهاتری است. بنابراین، در این بحث به خاطر اجتناب از جعل اصطلاح، واژه متعارف «مبادله‌ی تهاتری» با مسامحه در تعبیر، به کار گرفته می‌شود.

بنابراین، اصطلاحات به کار گرفته شده برای توصیف این روش متفاوت و مبهم است (Miramon, 1982, 12). پس از ذکر این نکته، باید اذعان نمود که تعاریف متفاوتی برای مبادلات تهاتری ارائه شده است. همچنان که برخی (شیروی، ۱۳۸۹، ۳۳۱) از حقوق دانان بر آن اعتقادند که ارائه تعریفی دقیق که بتواند کلیه روش‌های این نوع قرارداد را پوشش دهد و معاملات نقدی را نیز خارج کند، امر ساده‌ای نیست؛ زیرا هر کدام از انواع قراردادهای تهاتری، در فضای خاص خود و در پاسخ به نیازهای خاصی شکل گرفته است. بنابراین، هر تعریفی از قراردادهای تهاتری ممکن است

جامع و مانع نباشد.

در برخی کتب مؤلفین (اشمیتوف، ۲۴۱، ۱۳۹۰) آمده است که مبادلات تهاتری روش‌های گوناگون ارتباط دو معامله صادراتی است که یکی از دو معامله از کشور صادرکننده و دیگری از کشور وارد کننده سرچشمه می‌گیرد. در جای دیگر در تعریف مبادلات تهاتری آمده است که معاوضه یک کالا با کالای دیگر است و در پیچیده‌ترین شکل، نوعی سرمایه‌گذاری خارجی تلقی می‌شود (Baker, 1983, 375).

همچنین (Uncitral, 1993, 325) مبادلات تهاتری معاملات، معاملاتی هستند که در آنها یکی از طرفین معامله کالا، خدمات، فناوری یا هر ارزش اقتصادی دیگری را برای طرف مقابل تهیه می‌کند و در نقطه مقابل آن طرف اول از طرف دوم مقدار توافق شده‌ای کالا، خدمات، فناوری و یا هر ارزش اقتصادی دیگری را خریداری می‌کند (Thomas, 1980, 201).

مبادلات تهاتری در یک نگاه دیگر (International Countertrade, 1988, 99)، به اقداماتی اطلاق می‌گردد که بر اساس آن فروش به یک کشور خارجی تنها در صورتی میسر است که فروشنده قبول کند کالاهایی را از کشور خریدار، به بهای معامله اول خریداری بکند و از کشور خریدار صادر نماید. در واقع مبادلات تهاتری اشاره به ترتیبات قراردادی دارد که به موجب آن فروشنده کالا متعهد می‌شود تا تمام یا بخشی از پرداخت را به صورت کالا یا خدمات از خریدار اصلی خریداری کند (Ruben, 1987, 1).

آیین‌نامه معاملات متقابل مصوب ۱۳۶۹/۱/۲۰ مصوب هیأت وزیران نیز در این خصوص بیان می‌دارد: معاملات متقابل عقدی است که بین دو شخص حقیقی یا حقوقی منعقد می‌گردد و ضمن آن یک طرف «تأمین‌کننده» در مقابل تعهد طرف دیگر «صادرکننده» مبنی بر تولید و تحویل از کالا یا کالاهای مشخص جهت صدور به خارج از کشور طی زمان مورد توافق، تعهد می‌نماید مواد، ابزار، ماشین آلات، قطعات و خدمات مورد نیاز آن طرف را برای ایفای تعهدش در اختیار وی قرار دهد. همچنین ماده ۳ آیین‌نامه مزبور مقرر می‌دارد: صادرکننده شخص حقیقی یا حقوقی ایرانی است که تحت قرارداد معامله متقابل تعهد می‌نماید در ازای دریافت قطعات، ابزار، ماشین آلات و یا خدمات از طرف دیگر قرارداد «تأمین‌کننده» رأساً یا به واسطه، کالا یا کالاهای مورد توافق را از محصولات همان واحد تولیدی یا تولیدات صنعتی هم‌گروه (به تشخیص وزارتخانه صنعتی ذیربط) به مقدار معین

و در زمان مقرر صادر یا جهت صدور در اختیار «تأمین‌کننده» قرار دهد. بنابراین، با توجه به مطالبی که ذکر گردید می‌توان نتیجه گرفت که معامله‌ی تهاتری عبارت است از روش مشروط واردات کالا یا خدمات به صدور کالا یا خدمات دیگر به کشور فروشنده و مبادله‌ی آنها به جای فروش در مقابل پرداخت ارز خارجی و یا مبادله‌ی کالا یا خدمات با کالا یا خدمات با استفاده از روش بانکی تهاتر دفتری که مستلزم پرداخت وجه نقد نباشد (نصیری، ۱۳۸۳، ۱۶۰).

۳- ماهیت قراردادهای تهاتری

با توجه به اینکه مبادلات تهاتری دارای انواع مختلفی است، در خصوص ماهیت این مبادلات در حقوق داخلی ایران نهادهای حقوقی مشابهی وجود دارد. از سوی دیگر، در فقه نیز در خصوص قراردادهای نوین تجارت بین‌المللی از جمله مبادلات تهاتری بحثی به میان نیامده است. لذا با بررسی نهادهای حقوقی مشابه و نیز با مراجعه‌ی به فقه به توجیه و تبیین این مسأله می‌پردازیم:

۳-۱- عقد بیع

عقد بیع در حقوق ایران و در نظر فقها (علامه حلی، ۱۴۱۳، ۱۶؛ محقق حلی، ۱۴۱۰، ۱۱۸؛ فخرالمحققین، ۱۳۷۸، ۴۱۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ۲۷؛ موسوی گلپایگانی، ۱۳۹۹، ۹؛ طباطبایی، ۱۴۰۴، ۵۱۰؛ خویی، ۱۳۷۱، ۵۳) به تملیک عین به عوض معلوم تعریف شده است (ماده ۳۳۸ ق.م.م). تملیکی بودن عقد بیع، این موضوع را به ذهن متبادر می‌سازد که مبادلات تهاتری از بین سایر عقود معین، بیشترین شباهت را با عقد بیع داشته باشد.

اما باید اذعان نمود که مبادلات تهاتری عقد بیع محسوب نمی‌گردد. چه آنکه عقد بیع از عقود تملیکی است و به مجرد عقد، بایع مالک ثمن و خریدار مالک مبیع می‌گردد. حال آنکه در مبادلات تهاتری، تملیک به صورتی که در بیع مطرح است صورت نمی‌گیرد و تنها تعهداتی را برای طرفین ایجاد می‌کند و در حقیقت می‌توان گفت قراردادهای تهاتری از عقود عهدی محسوب می‌گردد. همچنان که برخی از حقوق‌دانان (صابر، ۱۳۸۶، ۲۶۲) نیز در انواع مختلف قراردادهای تهاتری به این امر اشاره کرده‌اند.

مورد بعدی که می‌تواند مؤید عهدی بودن آن باشد، ماده یک قرارداد نمونه بیع متقابل (تهاتر تولیدی) کمیسیون اقتصادی اروپا (کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای اروپا، ۱۳۷۲، ۳) می‌باشد که مقرر می‌دارد:

ماده ۱- تعهد خرید متقابل

۱-۱- بدین وسیله آلفا موافقت می‌کند که محصولاتی را که بتا به موجب شروط این قرارداد به وسیله استفاده از وسایل و تکنولوژی فروخته شده توسط آلفا تولید کرده است از بتا بخرد (یا سبب خرید را به وجود آورد) و همچنین محصولات مذکور را تحویل بگیرد.

۱-۲- بدین وسیله بتا موافقت می‌کند که طبق شرایط و مقررات مذکور در قرارداد، محصولات مذکور را به آلفا (یا قائم مقام وی که در ماده ۶ از آن تعریف شده) بفروشد و با خرید محصولات از آلفا به عنوان بیع متقابل در چارچوب این قرارداد موافقت نماید.

همچنین، آیین نامه معاملات متقابل مصوب ۱۳۶۹/۱/۲۰ مصوب هیأت وزیران نیز در این خصوص بیان می‌دارد: معاملات متقابل عقدی است که بین دو شخص حقیقی یا حقوقی منعقد می‌گردد و ضمن آن یک طرف «تأمین کننده» در مقابل تعهد طرف دیگر «صادرکننده» مبنی بر تولید و تحویل از کالا یا کالاهای مشخص جهت صدور به خارج از کشور طی زمان مورد توافق، تعهد می‌نماید مواد، ابزار، ماشین آلات، قطعات و خدمات مورد نیاز آن طرف را برای ایفای تعهدش در اختیار وی قرار دهد. از طرفی دیگر، همانگونه در تعریف مبادلات تهاتری آمده است، هیچ گونه پرداخت نقدی وجود نخواهد داشت. حال آنکه عقد بیع، ویژه مبادله کالا با پول است و حتی برخی از حقوقدانان (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۱۲) معتقدند که اگر دو نفر کالایی را با پول مبادله کنند دادگاه در مقام فصل خصومت باید آن را خرید و فروش بداند، هرچند دو طرف آن را معاوضه تلقی نمایند. اما مبادله در قالب یک قرارداد تهاتری هیچ گونه پرداخت نقدی وجود نخواهد داشت و بازپرداخت بر اساس نوع مبادلات تهاتری متفاوت خواهد بود (Christain, 2005, 23).

علاوه بر آن، در عقد بیع لازم نیست که ثمن و مبیع با یکدیگر سنخیت و ارتباط داشته باشند، یعنی یکی محصول و نتیجه دیگری باشد اما در برخی از قراردادهای تهاتری - مانند بیع متقابل - یکی از شروط اصلی غالباً این است که همان محصولی که از سرمایه گذاری پیمانکار به دست می‌آید به خود او فروخته می‌شود (شیروی، ۱۳۸۹، ۳۴۴؛ نصیری، ۱۳۸۳، ۱۷۱). بنابراین، با توجه به مطالب فوق

می‌توان به این نتیجه رسید که قراردادهای تهاتری را نمی‌توان به عنوان عقد بیع مذکور در قانون مدنی محسوب نمود.

۳-۲- عقد معاوضه

قانون مدنی ایران معاوضه را بدین صورت تعریف کرده است که: «معاوضه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، مالی می‌دهد به عوض مال دیگر که از طرف دیگر اخذ می‌کند بدون ملاحظه اینکه یکی از عوضین، مبیع و دیگری ثمن باشد».

از سوی دیگر، برخی از فقها معتقدند که مقتضای اطلاق معاوضه این است که هر یک از عوضین در ملک کسی که عوض دیگر از آن خارج می‌شود، داخل شود و این موضوع مقتضای ذات معاوضه به شمار نمی‌آید تا با قصد خلاف، حقیقت معاوضه تحقق پیدا نکند (طباطبایی یزدی، ۱۳۷۶، ۱۴۸).

علاوه بر آن، معاوضه از عقود تملیکی است و حال آنکه قراردادهای تهاتری تملیک به صورتی که در معاوضه مطرح است صورت نمی‌گیرد و تنها تعهداتی را برای طرفین ایجاد می‌کند و در حقیقت می‌توان گفت قراردادهای تهاتری از عقود عهدی محسوب می‌گردد. علاوه بر آن در عقد معاوضه نیز همانند عقد بیع لزوماً بین عوضین سنخیت و ارتباط وجود ندارد. اما در برخی از قراردادهای تهاتری - همان طوری که سابقاً متذکر شدیم - این سنخیت وجود دارد. بنابراین، با توجه به مطالب فوق می‌توان به این نتیجه رسید که قراردادهای تهاتری را نمی‌توان به عنوان عقد معاوضه مذکور در قانون مدنی محسوب نمود.

۳-۳- جعاله

جعاله عبارت است از التزام شخصی به اداء اجرت معلوم در مقابل عملی اعم از اینکه طرف، معین باشد یا غیرمعین (ماده ۵۶۱ ق.م). در خصوص ماهیت جعاله بین فقها و حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد به طوری که برخی‌ها (شهید ثانی، ۱۴۱۷، ۱۴۹؛ موسوی خمینی، ۱۳۶۶، ۵۱۳؛ خویی، ۱۳۹۴، ۱۲۷؛ نجفی، ۱۹۸۱، ۱۹۰؛ لنگرودی، ۱۳۷۹، ۳۲۵) معتقدند جعاله ایقاع هست و برخی‌ها (شهید ثانی، بی‌تا، ۱۵۲؛ امامی، ۱۳۸۹، ۲۱۷؛ شهیدی، ۱۳۸۲، ۱۱۰، کاتوزیان، ۱۳۸۳، ۲۵۶) نیز اعتقاد به عقد

بودن جعاله دارند که بحث تفصیلی آن خارج از محل بحث است.

همچنین، بر طبق ماده ۵۶۳ ق.م در جعاله لازم نیست که اجرت من جمیع الجهات معلوم باشد و نیز بر طبق ماده ۵۶۴ در جعاله گذشته از عدم لزوم تعیین عامل ممکن است عمل هم مردد و کیفیات آن نامعلوم باشد. بنابراین، مواد مذکور بیان‌کننده قبول ابهامات در جعاله می‌باشد و علی‌رغم این ابهامات، شارع آن را پذیرفته و آثار حقوقی را بر آن مترتب نموده است و برخی از فقها نیز همین نظر را پذیرفته‌اند (نجفی، ۱۹۸۱، ۵۴۹؛ شهید ثانی، ۱۴۱۷، ۱۴۹). از سوی دیگر، فقها معتقدند، جعاله تعهدی است جایز و از طرف جاعل و عامل قابل فسخ می‌باشد و این نکته هم قابل ذکر است که اگر جاعل پس از انجام مقداری از عمل عرفاً مستحق اجرت است اقدام به فسخ نماید، عامل مستحق اجرت است (محقق کرکی، ۱۴۱۰، ۱۸۹؛ موسوی خمینی، ۵۹۰، ۱۴۰۹-۵۸۹؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳، ۶؛ سعید حلی، ۱۴۰۵، ۳۲۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۰، ۴۳۰؛ فخرالمحققین، ۱۳۷۸، ۱۶۳؛ آل عصفور بحرانی، ۱۴۱۰، ۱۱۶).

علاوه بر این، بر خلاف عقود دیگر که از حیث متعاقدين و موضوع، حدود و ثغور مشخصی دارند، جعاله از قابلیت مانور فوق‌العاده‌ای برخوردار است؛ مثلاً عقد بیع، تملیک عین در مقابل عوض معلوم است و اگر به جای عین، منافع قرار گیرد قواعد عقد اجاره حکم فرمات؛ یا عقودی مانند مزارعه و مساقات تعاریفی خاص و موضوعاتی مشخص دارند در حالی که چنانکه از مواد ۵۶۱ و ۵۶۳ و ۵۶۴ ق.م. نیز به بدست می‌آید عقود بسیاری را می‌توان در قالب عقد جعاله گنجانند. از کلمه «عمل» در ماده‌ی ۵۶۱ ق.م. به خوبی استنباط می‌شود که مورد عقد جعاله صرفاً امور خدماتی نیست بلکه می‌توان واگذاری اعیان یا موضوعات دیگر را موضوع عقد جعاله قرار داد. به همین دلیل است که بانکها در بانکداری بدون ربا از این عقد بسیار بهره می‌گیرند و در بسیاری از موارد تسهیلات خود را در قالب این عقد اعطا می‌نمایند (ایزدی‌فرد و کاویار، ۱۳۸۹، ۱۲۸-۱۲۷).

بنابراین می‌توان قراردادهای تهاتری را با اوصافی که در خصوص عقد جعاله بیان نمودیم، با عقد جعاله توجیه کرد. وجود اوصافی مانند قابلیت تعمیم در عقد جعاله کمک شایانی به این توجیه می‌کند؛ مثلاً طبق تعریف آنسیترال از با ی بک، عرضه تجهیزات و تکنولوژی از یک طرف، مشروط به باز پرداخت ثمن از طریق محصولات، اساس قرارداد بای بک را تشکیل می‌دهد، که در قالب عقد جعاله می‌گنجد (ایزدی‌فرد و کاویار، ۱۳۸۹، ۱۲۸).

اما به نظر می‌رسد قراردادهای تهاتری غیر از جعاله باشد. چه آنکه، در عقد بودن قراردادهای تهاتری - که بعداً شرح تفصیلی آن خواهد آمد- بر خلاف جعاله هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای وجود ندارد و از طرفی دیگر در قراردادهای تهاتری طرفین قرارداد معلوم یا حداقل قابل تعیین و تعهدات و حقوق طرفین نیز مشخص می‌باشد و موارد ابهامی وجود ندارد. همچنین در جعاله بر طبق ماده ۵۶۵ ق.م.تعهدهای است جایز و مادامی که عمل به اتمام نرسیده است هر کدام از طرفین می‌توانند جعاله را بهم بزنند و حال آنکه قراردادهای تهاتری - که بعداً شرح تفصیلی آن خواهد آمد- عقدی است لازم و طرفین بدون توجیه حقوقی و در قالب قرارداد نمی‌توانند عقد را فسخ نمایند. بنابراین، با توجه به مطالب فوق می‌توان به این نتیجه رسید که قراردادهای تهاتری را نمی‌توان به عنوان جعاله مذکور در قانون مدنی محسوب نمود.

۳-۴- عقد صلح

مطابق ماده ۷۵۲ ق.م. صلح ممکن است یا در مورد رفع تنازع موجود و یا جلوگیری از تنازع احتمالی در مورد معامله و غیر آن واقع شود. از سوی دیگر، عقد صلح به ام‌العقود مشهور است. چه آنکه، بدون این که نیاز به شرایط سخت و محکمی داشته باشد، نتیجه آن عقد را دارد. ماده ۷۵۸ ق.م. نیز مؤید همین موضوع است. حدیث نبوی «الصلح جایز بین المسلمین الاً صلحاً احلّ حراماً او حرم حلالاً» نیز دلالت بر همین موضوع دارد (علامه حلی، ۱۴۱۵، ۲۱۳؛ حلی، ۱۴۰۵، ۳۰۶؛ بهوتی، ۱۴۱۸، ۴۵۵؛ دسوقی، بی‌تا، ۳۰۹؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ۲۸۸؛ ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۱، ۶۴؛ محقق حلی، ۱۳۸۹، ۳۶۷؛ محقق حلی، ۱۴۱۰، ۱۴۴).

موضوع صلح نیز در فقه امامیه برخلاف شافعیه (شربینی، ۱۳۷۷، ۱۷۷؛ زکریا انصاری، ۱۴۱۸، ۳۵۴؛ مزنی، بی‌تا، ۱۰۶-۱۰۵) منصرف به رفع خصومت نیست و مطابق با نظر فقها برای تحقق صلح لزومی به وجود اختلاف نیست، بلکه موارد دیگر از قبیل وسیله انجام معامله را نیز شامل می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۰۹، ۵۶۲؛ شیخ طوسی، ۱۳۸۷، ۲۸۸؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ۳۲۷؛ سرخسی، ۱۴۰۶، ۲۲۳).

اما در خصوص اینکه قراردادهای تهاتری با عقد صلح مطابقت دارد یا خیر باید اذعان نمود که قراردادهای تهاتری با عقد صلح قابل انطباق نیست. چه آنکه، این دو قرارداد با یکدیگر تفاوت ماهوی

دارند و آن اینکه عنصر «تسالم» جز لاینفک تمامی اقسام عقد صلح است (ایزدی فرد و کاویار، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰). اما اساس قراردادهای تهاتری همان گونه که قبلاً بیان گردید، «تعهد» است. بنابراین، همان طوری که فقها نیز اذعان دارند، معنای اصلی صلح تسالم است و از این رو صلح به خودی خود منصرف به مال نمی‌گردد (انصاری، ۱۴۱۸، ۱۴-۱۳).

علاوه بر این، قراردادهای تهاتری - که بعداً شرح تفصیلی آن خواهد آمد- جز عقود معوض محسوب می‌گردد حال آنکه مطابق با ماده ۷۵۷ ق.م. صلح بلاعوض نیز جایز است و در نتیجه نمی‌توان تمامی اقسام صلح را معوض دانست. بنابراین، با توجه به مطالب فوق می‌توان به این نتیجه رسید که قراردادهای تهاتری را نمی‌توان به عنوان عقد صلح مذکور در قانون مدنی محسوب نمود.

۳-۵- عقد نامعین (مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی)

مطابق ماده ۱۰ قانون مدنی: قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده‌اند، در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد، نافذ است. بنابراین، مطابق این ماده در حقوق ایران اصل آزادی قراردادها پذیرفته شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۱۴۴).

در خصوص قراردادهای تهاتری با توجه به مکانیسم پیچیده انعقاد این نوع معاملات و با وجود گروه‌های قراردادی متعدد مرتبط و غیر مرتبط با قراردادهای تهاتری و با توجه به اینکه طرف‌های قرارداد قصد مشترک خود را به متعهد نمودن در قالب‌های عقود معین در حقوق داخلی ندارند، این معاملات با هیچ یک از قالب‌های حقوقی کشور- همان گونه که شرح تفصیلی آن گذشت- هماهنگی کامل ندارد (صادقی، ۱۳۸۳، ۱۲۸).

در توجیه ماهیت حقوقی قراردادهای تهاتری، اصل آزادی قراردادی منعکس در ماده ۱۰ ق.م. کمک کننده می‌باشد. این اصل در واقع این مطلب اساسی را به استنباط می‌رساند که اراده برای انشاء عقد و ایجاد التزام و الزام و در تعیین آثار عقد کافی است و متعاملین در ایجاد عقد، شروط و اوصاف و نوع تعهد آزاد هستند و مجرد تراضی آنان برای ایجاد التزام کافی است، بدون اینکه به شکل خاصی از عقد و یا نحوه بیان اراده انشائی یا استفاده از الفاظ خاصی، مقید باشند (حائری، ۱۳۸۳، ۳۹). همچنین، قلمرو آزادی افراد آن قدر وسیع نخواهد بود که مصالح اجتماعی را به مخاطره اندازد یا بر خلاف نظم عمومی باشد (صائمی، ۱۳۸۲، ۹۰). همان گونه که قانون‌گذار ما نیز در ماده ۱۰ قانون

مدنی به این امر اشاره نموده است (صفایی، ۱۳۸۲، ۵۰؛ کاتوزیان، ۱۳۷۸، ۶). بنابراین، حاکمیت اراده قالب خاص نمی‌شناسد و هدف اصلی وضع ماده ۱۰ ق.م این است که مفاد تراضی جز در مواردی که در قانون به صراحت منع شده است، حاکم بر روابط دو به صراحت منع شده است. در فقه نیز اصل حاکمیت اراده مورد پذیرش واقع شده است. فقها با تمسک به عموم «اوفوا بالعقود» و نیز تمسک به احادیثی مانند «المسلمون/المؤمنون عند شروطهم»، دامنه لزوم عقود را از عقود معین به سایر قراردادهای تسری دادند (شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ۳۸۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۵، ۶۶؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ۲۶۸؛ محقق کرکی، ۱۴۱۰، ۸۶؛ انصاری، ۱۴۱۸، ۸۶؛ علامه مجلسی، ۲۷۷، ۱۴۰۳؛ بخاری، ۱۴۰۱، ۵۲؛ راوندی، ۱۴۰۵، ۵۱؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ۴۸).

بنابراین، با توجه به مطالب فوق می‌توان به این نتیجه رسید که قراردادهای تهاتری با توجه به دامنه گسترده اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادهای در حقوق و فقه ایران یکی از انواع قراردادهای پذیرفته‌شده در ماده ۱۰ قانون مدنی که ریشه فقهی دارد، می‌باشد؛ چه آن که قراردادهای تهاتری مجموعاً نوعی قرارداد خصوصی میان دو شخص حقیقی و یا حقوقی است که بر مبنای اصل آزادی و حاکمیت اراده طرفین و عدم مخالفت با موازین قانونی منعقد می‌شود و بین طرفین نافذ و معتبر است.

۳-۶- تبیین موضوع در فقه

همان‌گونه که در ابتدای این مبحث بیان گردید، در فقه در خصوص قراردادهای نوین تجارت بین‌المللی از جمله مبادلات تهاتری بحثی به میان نیامده است. فقها بیشتر در مورد عقود معین مانند بیع، اجاره، مضاربه، جعاله و غیره بحث کردند و در برخی از کتب فقهی متأخر نیز - مانند مکاسب شیخ انصاری - مباحثی که امروزه به قواعد عمومی قراردادهای مشهورند، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (صابر، ۱۳۸۶، ۲۶۰).

در گذشته بیشتر قراردادهایی که مرسوم بود، از پیچیدگی خاصی برخوردار نبود و این امر بدین سبب بوده است که روابط اجتماعی مردم در ادوار گذشته ساده و معمولی بوده است و قواعد موجود جوابگوی نیازهای مردم و جامعه بود. بنابراین، به نظر می‌رسد که قراردادهای تهاتری را نتوان با هیچ یک از عقود معین فقهی توجیه کرد. چه آنکه، این قراردادهای پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های خاصی

برخوردارند که در هیچ یک از عقود معین دیده نشده است و نیز می‌توان بر این اعتقاد بود که یافتن عقدی در فقه که بتوان آن را شبیه این قراردادها دانست، ساده‌اندیشی و عدم تدقیق در موضوع می‌باشد. بنابراین، تنها راه حلی که در فقه به نظر می‌رسد توجیه‌کننده قبول و مشروعیت این قراردادها باشد، تراضی طرفین - همان اصل آزادی قراردادها - است.

در فقه برخی از فقها (قمی، ۱۳۷۰، ۴۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۵، ۸۴؛ راقی، ۱۴۰۸، ۲۲) تنها عقود را لازم‌الوفاء و مشروع می‌دانند که شارع آنها را تنفیذ نموده باشد یعنی تنها عقود معین لازم‌الوفاء می‌باشند و هر عقدی که در قالبی غیر از این عقود باشد، هرچند مورد نیاز جامعه و ضروری باشد، مشروع و لازم‌الوفاء نیست. اما اکثریت فقها (حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ۱۰؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ۶۳؛ فاضل مقداد، ۱۳۴۳، ۲۴؛ محقق اردبیلی، ۱۴۱۲، ۱۴۰). همان گونه که شرح تفصیلی آن گذشت، معتقدند که عموم و اطلاقاتی مانند آیه شریفه «اوفوا بالعقود» و آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا لاتاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تکون تجاره عن تراض» و نیز حدیث نبوی «المؤمنون عند شروطهم» ناظر به همه ی قراردادها - چه عقود معین و چه عقود نامعین - می‌باشد. به عبارتی دیگر، تنها تراضی طرفین را حتی اگر در قالب هیچ عقدی از عقود معین نباشد، به شرطی که برخلاف کتاب و سنت نباشد، کافی می‌دانند و به صرف اینکه آن عقد سابقه‌ای در شرع نداشته باشد را باطل نمی‌دانند (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ۲۷).

بنابراین، با توجه به مطالب فوق می‌توان به این نتیجه رسید که قراردادهای تهاتری با توجه به دامنه گسترده اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها در حقوق و نیز با توجه به پذیرش این اصل در فقه، یکی از انواع قراردادهای پذیرفته‌شده در ماده ۱۰ قانون مدنی باشد و تراضی طرفین برای لزوم و صحت این قراردادها کافی است و تحت عموم آیه «اوفوا بالعقود» قرار می‌گیرد. چه آن که قراردادهای تهاتری مجموعاً نوعی قرارداد خصوصی میان دو شخص حقیقی و یا حقوقی است که بر مبنای اصل آزادی و حاکمیت اراده طرفین و عدم مخالفت با موازین قانونی منعقد می‌شود و بین طرفین نافذ و معتبر است.

۴- اوصاف مشترک قراردادهای تهاتری

با توجه به اینکه قراردادهای تهاتری دارای انواع مختلفی است، مسلماً برخی از این نوع قراردادها دارای اوصاف خاص خودشان می‌باشند. بنابراین، در این قسمت از مقاله بر آن شدیم که به بررسی

فقهی حقوقی اوصاف مشترک قراردادهای تهاتری بپردازیم.

۴-۱- هدف مشترک

از مشخصات بارز معاملات تهاتری این است که در این قراردادها، مبادله کالا به کالا یا هر نوع مبادله دیگر که در تعریف مبادلات تهاتری بیان شد، هدف واقعی هر نوع قرارداد تهاتری است. البته اصولاً کالاها در هر طرف به وسیله پول ارزیابی می‌شوند و حتی ممکن است این امر در قرارداد نیز ذکر شود، ولی ارزیابی به پول و یا ذکر ارقام به این معنا نیست که واقعاً پول بین طرفین رد و بدل می‌گردد. معمولاً در معاملات تهاتری، بین بانک کشور خریدار و بانک کشور فروشنده، قرارداد پرداخت تهاتری خاصی منعقد می‌شود که دو بانک به نفع یکدیگر و به میزان تقریبی بهای معامله اعتبار افتتاح می‌کنند؛ سپس بانک کشور فروشنده به میزان کالای صادر شده، حساب بانک طرف را در کشور خریدار بدهکار می‌نماید و ثمن معامله را به فروشنده با پول محلی تأدیه می‌کند. در مقابل، بانک کشور خریدار نیز در موقع صدور کالا به کشور اول همین رویه را اعمال کرده و بدون اینکه عملاً وجه نقدی مبادله گردد، صادرات و واردات کالا طبق روش معمول انجام می‌شود. بنابراین، نظر برخی از حقوقدانان (شیروی، ۱۳۸۹، ۳۳۵) که این مکانیسم را در برخی از انواع قراردادهای تهاتری قابل اعمال می‌دانند، قابل انتقاد به نظر می‌رسد.

چون اصولاً کلیه حقوق و تعهدات طرفین در یک قرارداد واحد منعکس می‌شود، اجرای تعهدات هر کدام از طرفین به شدت به اجرای تعهدات طرف دیگر وابسته است. نقض قرارداد به وضوح بر تعهدات طرف دیگر تأثیر می‌گذارد (Brown, 1994, 2). معاملات تهاتری بیشتر در شرایط خاصی مثل جنگ، انزوای سیاسی و وجود انحصارات و تحریم‌های اقتصادی استفاده می‌شوند و عمدتاً بین کشورهای همسایه یا کشورهای متعلق به یک طرز فکر ایدئولوژیکی یا سیاسی خاص انجام می‌گیرد (Verzariu, 1992, 2).

۴-۲- عقد بودن

مبادلات تهاتری همان گونه در مبحث تعریف آمده است، عبارت است از روش تعلیق واردات کالا به صدور کالاهای دیگر به کشور فروشنده، و مبادله کالا با کالا به جای فروش در مقابل پرداخت

ارز خارجی، و یا مبادله‌ی کالا با کالا با استفاده از روش بانکی تهاتر دفتری که مستلزم پرداخت وجه نقد نباشد. بنابراین، هر کدام از طرفین در مقابل دیگری تعهد به امری می‌نمایند و در نتیجه می‌توان اذعان داشت که مبادلات تهاتری از جمله عقود و قراردادهای می‌باشد.

قانون مدنی ایران نیز در ماده ۱۸۳ ق.م.عقد را تعریف کرده است و بیان نموده است که عقد عبارت است از اینکه یک یا چند نفر در مقابل یک یا چند نفر دیگر تعهد بر امری نمایند و مورد قبول آنها نیز واقع شود. شکی نیست که مبادلات تهاتری با تعریف عقد در ماده مذکور منطبق است. بنابراین، می‌توان به این نتیجه رسید که مبادلات تهاتری، عقد محسوب می‌گردد و اما اینکه مطابق با کدام یک از عقود مندرج در قانون مدنی ایران می‌باشد- همان گونه که شرح تفصیلی آن گذشت- باید گفت که تابع ماده ۱۰ قانون مدنی و از جمله عقود معین است.

۴-۳- قرارداد مرکب

به قراردادهایی که در بر گیرنده چند عقد باشد، قراردادهای مختلط یا مرکب گفته می‌شود (قاسم‌زاده، ۱۳۸۳، ۶۳) مانند قرارداد اقامت در مهمانسرا ترکیبی از اجاره اشیا (مسکن)، اجاره اشخاص (از لحاظ پذیرایی و خدمات)، بیع (فروش غذا) و ودیعه (نگهداری اشیای مسافر) است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ۳۱).

قراردادهای تهاتری نیز از این امر استثناء نمی‌باشد. چه آنکه، هر کدام از طرفین در یک قرارداد جداگانه کالا یا خدماتی را از طرف مقابل خریداری می‌نمایند و متقابلاً طرف دیگر نیز، کالا یا خدماتی را از طرف دیگر خریداری می‌نماید و معمولاً ارتباط بین این دو قرارداد از طریق «پروتکل» یا «شرط ضمن عقد» صورت می‌گیرد. از طرفی دیگر، هرچند اصولاً قراردادهای تهاتری بین دو کشور انجام می‌شود ولی در مواردی از قبیل سفارش نصب یک واحد تولیدی بزرگ، معامله تهاتری لزوماً بین دو کشور انجام نمی‌شود و ممکن است از حساب تهاتری، فروشندگانی که در کشورهای گوناگون سفارش‌های قسمت‌های مختلف طرح را قبول کرده‌اند، حق برداشت تهاتری داشته باشند. بنابراین، می‌توان به این واقعیت نیز دست یافت که معاملات تهاتری صرف یک قرارداد تنها نیست، بلکه در بردارنده مجموعه‌ای از قرارداد است.

بنابراین می‌توان بر آن اعتقاد بود که قراردادهای تهاتری ممکن است حیات‌های حقوقی مستقل

و مختلفی را با توجه به تنوع در آن تجربه نماید و در هر صورت معاملات تهاتری صرف یک قرارداد تنها نیست، بلکه در بردارنده مجموعه‌ای از قرارداد و از نوع قراردادهای مرکب است.

۴-۴- لزوم

همان‌گونه که قبلاً شرح تفصیلی آن گذشت، در فقه برخی از فقها (علامه حلی، ۱۴۱۵، ۸۴؛ میرزای قمی، ۱۳۷۱، ۴۱؛ نراقی، ۱۴۰۸، ۲۲؛ نجفی، ۱۳۹۴، ۲۱۳) تنها عقودی را لازم‌الوفاء و مشروع می‌دانند که شارع آنها را تنفیذ نموده باشد یعنی تنها عقود معین لازم‌الوفاء می‌باشند و هر عقدی که در قالبی غیر از این عقود باشد، هرچند مورد نیاز جامعه و ضروری باشد، مشروع و لازم‌الوفاء نیست. اما اکثریت فقها (شیخ طوسی، ۱۴۱۷، ۳۸۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۵، ۶۶؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ۲۶۸؛ محقق کرکی، ۱۴۱۰، ۸۶؛ انصاری، ۱۴۱۸، ۸۶؛ علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۷۷؛ بخاری، ۱۴۰۱، ۵۲؛ راوندی، ۱۴۰۵، ۵۱؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ۴۸؛ حسینی مراغی، ۱۴۱۷، ۱۰؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ۶۳؛ فاضل مقداد، ۱۳۴۳، ۴۲۴؛ محقق اردبیلی، ۱۴۱۲، ۱۴۰) معتقدند که عموم و اطلاقاتی مانند آیه شریفه «اوفوا بالعقود» و آیه شریفه «یا ایها الذین آمنوا لاتاكلوا اموالکم بینکم بالباطل الا ان تكون تجاره عن تراض» و نیز حدیث نبوی «المؤمنون عند شروطهم» ناظر به همه‌ی قراردادهای -چه عقود معین و چه عقود نامعین- می‌باشد. به عبارتی دیگر، تنها تراضی طرفین را حتی اگر در قالب هیچ عقدی از عقود معین نباشد، به شرطی که برخلاف کتاب و سنت نباشد، کافی می‌دانند و به صرف اینکه آن عقد سابقه‌ای در شرع نداشته باشد را باطل نمی‌دانند.

ماده ۲۱۹ قانون مدنی نیز به این امر اشاره دارد. در این ماده است: «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم‌الاتباع است، مگر این که به رضای طرفین اقاله و یا به علت قانونی فسخ شود». به عبارتی دیگر، این ماده بیانگر اصل لزوم قراردادهای می‌باشد یعنی همه عقود لازم هستند، مگر آن که قانون خلاف آن را تصریح نماید.

قراردادهای تهاتری نیز با توجه به اینکه از نوع قراردادهای نامعین می‌باشد، از اوصاف فوق مستثنی نمی‌باشد و تراضی طرفین برای صحت و لزوم قراردادهای تهاتری کافی است. لذا تحت عموم آیه شریفه «اوفوا بالعقود» و ماده ۲۱۹ قانون مدنی قرار می‌گیرد.

۴-۵- منجز بودن

بر طبق ماده ۱۸۹ ق.م «عقد منجز آن است که تأثیر آن بر حسب انشا موقوف به امر دیگری نباشد و الا معلق خواهد بود». در عقد منجز اثر عقد موقوف به امر دیگری نیست، بلکه به محض وقوع انشاء، آثار عقد بر آن مترتب خواهد شد. اما عقد معلق عقدی است که با اراده منجز طرفین واقع می شود و یک رابطه حقوقی ایجاد می گردد اما تا وقوع امر دیگری که در عقد پیش‌بینی شده است، تأثیر کامل آن به تأخیر می‌افتد (صفایی، ۱۳۸۲، ۲۷؛ امامی، ۱۳۸۹، ۱۷۳ به بعد). مثلاً شخصی به فرزندش بگوید: این ماشین را به شما هبه کردم اگر در کنکور سراسری قبول شوی. بنابراین، آنچه در این نوع عقد معلق و منوط به امر خارجی است در حقیقت، خود عقد و انشا نیست، بلکه اثر یا تعهدی است که از عقد ناشی می شود (صفایی، ۱۳۸۲، ۲۸؛ اصفهانی، ۱۴۱۸، ۱۷۴؛ روحانی، ۱۴۱۰، ۱۷).

در قراردادهای تهاتری نیز در بادی امر به نظر می‌رسد که تعهد یک طرف متوقف بر تعهد طرف دیگر می‌باشد یعنی عقد معلق است. اما باید اذعان نمود که در واقع چنین نیست و قراردادهای تهاتری یک عقد منجز است. به عنوان مثال در تهاتر تولیدی که یکی از انواع قراردادهای تهاتری است، متوقف بر خرید محصولات توسط فروشنده تجهیزات نیست، بلکه - همان گونه که بیان نمودیم - قراردادهای تهاتری از جمله تهاتر تولیدی، از قراردادهای مختلط محسوب می‌شود. تهاتر تولیدی نیز مشتمل بر سه قرارداد است. یکی از آنها قرارداد فروش تکنولوژی یا تجهیزات است و این قرارداد، منجز اما مشروط به پرداخت ثمن از محصولات است. عقد مشروط نیز جز عقود منجز محسوب می‌گردد. چه آنکه، در عقد مشروط آثار عقد متوقف به امر دیگری نیست ولیکن شرایطی ضمن عقد بیان می‌گردد که خارج از ماهیت عقد است.

بنابراین، هر چند در قراردادهای تهاتری، تعهد هر کدام از طرفین شرط قرارداد است، لیکن این امر باعث نمی‌گردد که عقد معلق شود. اثبات ادعایی این امر را می‌توان در ماهیت مختلط بودن این نوع قراردادها دانست.

۴-۶- معوض بودن

به قراردادهایی که به موجب آن یکی از طرفین به طرف دیگر تعهد یا مالی را می‌دهد و در مقابل آن تعهد یا مالی را دریافت می‌دارد عقد معوض یا معاوضی گفته می‌شود (صفایی، ۱۳۸۲، ۳۵؛

قاسم‌زاده، ۱۳۸۶، ۴۶). تفاوت ارزش دو عوض مانع از معوض شناختن عقد نیست، مگر اینکه عوض چنان ناچیز و کم‌بها باشد که عرف آن را هیچ انگارد و شائبه حيله برای وانمودکردن وجود عوض برود (بروجردی عبده، ۱۳۸۱، ۳۳۶). برعکس، در قراردادهایی که به موجب آن یکی از طرفین مالی را به دیگری می‌دهد یا تعهدی را بر عهده می‌گیرد، بدون اینکه برای طرف دیگر التزامی ایجاد شود، عقد غیر معوض یا مجانی گفته می‌شود.

با این اوصاف، قراردادهای تهاتری بی‌تردید عقدی معوض است. مبادلات تهاتری همان گونه در مبحث تعریف آمده است، عبارت است از روش تعلیق واردات کالا یا خدمات به صدور کالاها یا خدمات دیگر به کشور فروشنده، و مبادله‌ی کالا با کالا به جای فروش در مقابل پرداخت ارز خارجی، و یا مبادله‌ی کالا با کالا با استفاده از روش بانکی تهاتر دفتری که مستلزم پرداخت وجه نقد نباشد. بنابراین، همان‌گونه که از تعریف قراردادهای تهاتری نیز بدست می‌آید این است که هر کدام از طرفین قرارداد کالا یا خدماتی را از طرف مقابل خریداری می‌نماید و متقابلاً طرف دیگر نیز، کالا یا خدماتی را از طرف دیگر خریداری می‌نماید و این امر نشان دهنده معوض بودن قراردادهای تهاتری است.

۵- نتیجه

قراردادهای تهاتری عبارت است از روش مشروط واردات کالا یا خدمات به صدور کالا یا خدمات دیگر به کشور فروشنده و مبادله‌ی آنها به جای فروش در مقابل پرداخت ارز خارجی، و یا مبادله‌ی کالا یا خدمات با کالا یا خدمات با استفاده از روش بانکی تهاتر دفتری که مستلزم پرداخت وجه نقد نباشد. قراردادهای تهاتری یکی از شیوه‌های نوین تجارت بین الملل محسوب می‌گردد که سابقه‌ای از آن در فقه مشاهده نمی‌گردد. لیکن در مورد ماهیت و اوصاف این مبادلات در فقه و حقوق داخلی نهادهای حقوقی مشابهی وجود دارد. در خصوص ماهیت قراردادهای تهاتری می‌توان اذعان نمود که با نهادهایی از قبیل عقد بیع، معاوضه، جعاله، صلح و عقد نامعین (مشمول ماده ۱۰ قانون مدنی) مشابهت دارد.

با توجه و تبیین نهادهای حقوقی مشابه و نیز با مراجعه‌ی به فقه می‌توان به این نتیجه رسید که قراردادهای تهاتری را نتوان با هیچ یک از عقود معین فقهی توجیه کرد. چه آنکه، این قراردادها از

پیچیدگی‌ها و ظرافت‌های خاصی برخوردارند که در هیچ یک از عقود معین دیده نشده است و نیز می‌توان بر این اعتقاد بود که یافتن عقدی در فقه که بتوان آن را شبیه این قراردادها دانست، ساده-اندیشی و عدم تدقیق در موضوع می‌باشد. بنابراین، تنها راه حلی که در فقه به نظر می‌رسد توجیه-کننده قبول و مشروعیت این قراردادها باشد، تراضی طرفین- همان اصل آزادی قراردادها- است. بنابراین، با توجه به مطالب فوق می‌توان به این نتیجه رسید که قراردادهای تهاتری با توجه به دامنه گسترده اصل حاکمیت اراده و آزادی قراردادها در حقوق و فقه ایران یکی از انواع قراردادهای پذیرفته شده در ماده ۱۰ قانون مدنی که ریشه فقهی دارد، می‌باشد؛ چه آنکه، قراردادهای تهاتری مجموعاً نوعی قرارداد خصوصی میان دو شخص حقیقی و یا حقوقی است که بر مبنای اصل آزادی و حاکمیت اراده طرفین و عدم مخالفت با موازین قانونی منعقد می‌شود و بین طرفین نافذ و معتبر است.

از طرفی دیگر، با توجه به ماهیت قراردادهای تهاتری می‌توان اوصافی از قبیل هدف مشترک، عقد مرکب، لزوم، منجز بودن و معوض بودن را از اوصاف مشترک بین قراردادهای تهاتری عنوان نمود.

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- آل عصفور بحرانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۰)، عیون الحقایق الناظره فی تتمه الحدائق الناظره، جلد ۲، موسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۳- اصغرزاده، عبدالله، (۱۳۷۴)، آشنایی با تجارت متقابل، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران، چاپ اول.
- ۴- اصفهانی، محمدحسین، (۱۴۱۸)، حاشیه مکاسب، جلد ۵، تحقیق شیخ عباس محمد آل سباع، نشر محقق، مطبوعه علمیه، قم، چاپ اول.
- ۵- ابن ادریس حلی، محمد بن احمد، (۱۴۱۱)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، جلد ۲، نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- ۶- انصاری، زکریا، (۱۴۱۸)، فتح الوهاب، جلد ۱، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول.
- ۷- انصاری، مرتضی، (۱۴۱۸)، مکاسب، جلد ۳ و ۴، موسسه الهادی، قم، چاپ اول.
- ۸- امامی، سید حسن، (۱۳۸۹)، حقوق مدنی، جلد ۲، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ بیست و دوم.
- ۹- ایزدی فرد، علی اکبر؛ کاویار، حسین، (۱۳۸۹)، تامل فقهی حقوقی در قرارداد بیع متقابل، فصلنامه پژوهش بازرگانی، شماره ۵۴.
- ۱۰- بخاری، محمدبن اسماعیل، (۱۴۰۱)، صحیح البخاری، جلد ۳، دارالفکر، بیروت.
- ۱۱- بروجردی عبده، محمد، (۱۳۸۱)، حقوق مدنی، انتشارات رهام، تهران، چاپ اول.

- ۱۲- بهوتی، منصور بن یونس، (۱۴۱۸)، کشف القناع، جلد ۳، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- ۱۳- جبعی عاملی، زین الدین بن علی - شهید ثانی - (۱۴۱۷)، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۱۱، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول.
- ۱۴- جبعی عاملی، زین الدین بن علی - شهید ثانی - (بی تا)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، جلد ۴ و ۳، دارالعلم الاسلامیه، بیروت.
- ۱۵- جبعی عاملی، محمد بن مکی - شهید اول - (۱۴۱۴)، الدروس شرعیه، جلد ۳، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۱۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۷۹)، مجموعه محشی قانون مدنی (علمی، تطبیقی، تاریخی)، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ اول.
- ۱۷- حائری، مسعود، (۱۳۸۳)، مبانی فقهی اصل آزادی قراردادها و تحلیلی از ماده ۱۰ قانون مدنی، انتشارات کیهان، تهران، چاپ اول.
- ۱۸- حسینی مراغی، میر عبدالفتاح، (۱۴۱۷)، العناوین الفقهیه، جلد ۲، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۱۹- حسن بیگی، ابوالفضل، (۱۳۸۱)، نفت، بای بک و منافع ملی، انتشارات آوای نور، تهران.
- ۲۰- حلی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵)، الجامع الشرایع، مؤسسه سید الشهداء، قم، چاپ اول.
- ۲۱- خوبی، ابوالقاسم، (۱۳۷۱)، مصباح الفقاهه فی المعاملات، تقریر میرزا محمد علی توحیدی، جلد ۳، دارالهادی، بیروت، چاپ اول.
- ۲۲- خوبی، ابوالقاسم، (۱۳۹۴)، منهاج الصالحین، جلد ۲، کتاب جعاله، ناشر مکتبه لطفی، تهران، چاپ چهارم.
- ۲۴- دسوقی، شمس الدین محمد بن عرفه، (بی تا)، حاشیه الدسوقی علی الشرح الکبیر، جلد ۳، دار الاحیاء الکتب العربیه.
- ۲۵- راوندی، قطب الدین، (۱۴۰۵)، فقه القرآن، جلد ۲، تحقیق سید احمد حسینی به اهتمام سید محمود مرعشی، مکتبه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- ۲۶- روحانی، محمدصادق، (۱۴۱۰)، منهاج الصالحین، جلد ۲، مدینه العلم، مطبعه مهر، قم، چاپ بیست و هشتم.
- ۲۷- سرخسی، شمس الدین، (۱۴۰۶)، المبسوط، جلد ۳۰، تحقیق من الافضل، دارالمعرفه، بیروت.
- ۲۸- شریینی، محمد، (۱۳۷۷)، مغنی المحتاج الی معرفه معانی الفاظ المنهاج، جلد ۲، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت.
- ۲۹- شهیدی، مهدی، (۱۳۸۲)، حقوق مدنی ۶، انتشارات مجد، تهران، چاپ اول.
- ۳۰- شیخ صدوق، محمدبن علی بن بابویه، (۱۴۰۴)، من لا یحضره الفقیه، جلد ۳، جامعه المدرسین، قم، چاپ دوم.
- ۳۱- شیخ طوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن، (۱۴۱۷)، الخلاف، جلد ۳، تحقیق سیدعلی خراسانی، سید جواد شهرستانی و شیخ محمد مهدی نجف، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۳۲- شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الامامیه، جلد ۲، تحقیق محمد تقی

- کشفی، مکتب المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، تهران.
- ۳۳- شیروی، عبدالحسین، (۱۳۸۹)، حقوق تجارت بین‌الملل، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول.
- ۳۴- صائمی، علی اصغر، (۱۳۸۲)، شروط ابتدایی در فقه و بررسی ماده ۱۰ قانون مدنی، فصلنامه الهیات و حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره نهم.
- ۳۵- صابر، محمدرضا، (۱۳۸۶)، مطالعه تطبیقی ماهیت حقوقی قراردادهای بیع متقابل و جایگاه قانونی آن، مجله حقوقی، نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، تهران، شماره سی و هفت.
- ۳۶- صادقی، جوانمرد، (۱۳۸۳)، جنبه‌های حقوقی قراردادهای سرمایه‌گذاری بیع متقابل، پژوهش‌های حقوقی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، تهران، سال سوم، شماره پنجم.
- ۳۷- صفایی، سیدحسین، (۱۳۸۲)، دوره مقدماتی حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادها، میزان، تهران، چاپ اول.
- ۳۸- طباطبایی، علی بن محمد علی، (۱۴۰۴)، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، جلد ۱، موسسه آل بیت، چاپ سنگی، قم.
- ۳۹- طباطبایی یزدی، محمد کاظم، (۱۳۷۶)، سؤال و جواب، تحقیق مصطفی محقق داماد، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ اول.
- ۴۰- علامه حلی، علی بن مطهر، (۱۴۱۳)، قواعد الاحکام، جلد ۲، موسسه النشر الاسلامیه، قم، چاپ اول.
- ۴۱- علامه حلی، علی بن مطهر، (۱۴۱۰)، ارشاد الاذهان الی احکام الایمان، جلد ۱، موسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۴۲- علامه حلی، علی بن مطهر، (۱۴۱۵)، المختلف الشیعیه، جلد ۵ و ۶، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۴۳- علامه مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳)، بحارالانوار، جلد ۲، مؤسسه الوفاء، بیروت، چاپ دوم.
- ۴۴- فاضل مقداد، شیخ جمال الدین، (۱۳۴۳)، کنز العرفان فی فقه القرآن، تصحیح محمد باقر شریف زاده و محمد باقر بهبودی، مکتب المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، تهران.
- ۴۵- فخر المحققین، یوسف بن مطهر حلی، (۱۳۷۸)، ایضاح الفوائد فی شرح القواعد، جلد ۱، طبع بامر آیت الله محمود شاهرودی، چاپ اول.
- ۴۶- قاسم زاده، سید مرتضی، (۱۳۸۶)، حقوق مدنی - اصول قراردادها و تعهدات، انتشارات دادگستر، چاپ پنجم.
- ۴۷- قمی، میرزا ابوالقاسم بن الحسن الجیلانی، (۱۳۷۱)، جامع الشتات، جلد ۲، موسسه کیهان، تهران.
- ۴۸- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۶)، دوره مقدماتی حقوق مدنی - اعمال حقوقی (عقد - ایقاع)، انتشارات شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ دوازدهم.
- ۴۹- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۳)، حقوق مدنی: عقود معین (مشارکت‌ها - صلح)، جلد ۲، انتشارات گنج دانش، تهران، چاپ ششم.
- ۵۰- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۸)، عقود معین، جلد ۱، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم.
- ۵۱- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۵)، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۱، شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم.

- ۵۲- کلایو ام. اشمیتوف، (۱۳۹۰)، حقوق تجارت بین‌الملل، ترجمه اخلاقی بهروز و غیره، انتشارات سمت، تهران، چاپ دوم.
- ۵۳- لئو. جی. بی. ولت، (۱۳۶۵)، ترجمه سید محمدحسین عادل، تجارت بدون پول، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، چاپ اول.
- ۵۴- محقق اردبیلی، احمد، (۱۴۱۲)، مجمع الفائده و البرهان، جلد ۸ و ۱۰، تحقیق یزدی، عراقی و اشتهدادی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۵۵- محقق حلی، ابوالقاسم جعفر بن الحسن، (۱۴۱۰)، المختصر النافع فی فقه الامامیه، نشر المؤسسة البعثه، تهران.
- ۵۶- محقق حلی، ابوالقاسم جعفر بن الحسن، (۱۳۸۹)، شرایع الاسلام، جلد ۲، مطبعه الآداب، نجف.
- ۵۷- محقق کرکی، نور الدین علی بن حسین، (۱۴۱۰)، جامع المقاصد، جلد ۶، ۷ و ۸، مؤسسه آل بیت، قم، چاپ اول.
- ۵۸- موسوی گلپایگانی، محمدرضا، (۱۴۱۳)، هدایه العباد، جلد ۲، دارالقرآن الکریم، قم، چاپ اول.
- ۵۹- موسوی گلپایگانی، محمدرضا، (۱۳۹۹)، بلغه الطالب فی تعلیق علی بیع مکاسب، دارالقرآن الکریم، قم، چاپ اول.
- ۶۰- موسوی خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۹)، کتاب البیع، جلد ۴، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، چاپ اول.
- ۶۱- موسوی خمینی، روح‌الله، (۱۳۶۶)، ترجمه تحریر الوسیله، جلد ۲، نشر دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۶۲- موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۴۰۹)، تحریر الوسیله، جلد ۱، دارالکتب العلمیه، اسماعیلیان، قم.
- ۶۳- مزنی، اسماعیل بن یحیی، (بی‌تا)، مختصر المزنی، دارالمعرفه، بیروت.
- ۶۴- نجفی، محمدحسن، (۱۹۸۱)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۳۵، دار الاحیاء تراث العربی، بیروت، چاپ هفتم.
- ۶۵- نراقی، احمد بن محمد، (۱۴۰۸)، عواید الايام، مکتب البصیره، قم.
- ۶۶- نصیری، مرتضی، (۱۳۸۳)، حقوق تجارت بین‌المللی در نظام حقوق ایران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول.

67. Abdel Latif, A., The Egyptian Experience with Countertrade, *Journal of Word Trade*, Vol. 24, 1985, p5.

68. Baker & Cunningham. (1983). Countertrade & Trade law, *Journal of Comparative Business & Capital Market Law*.

69. Blum, A. (1987). The East-West Business. *Financial Times*.

70. Brown & Franklin. (1994). *Countertrade Paying in Goods & Services*.

Longman, London.

71. Christain, U. & Alexander, B. (2005). *Iran investing in the oil & gas Industry from a business & legal perspective.*
72. Dick, F. (1987). *the countertrade handbook Cambridge: woodhead-favkner.* Uncitral, Legal Guide on International Countertrade Transactions ,(1993), UNCITRAL, New York.
73. Hennart, M. (1990). Some empirical dimensions of countertrade. *Journal of International Business Studies.*
74. International countertrade, (1988). Preliminary study of legal issues in international countertrade: *Report of the Secretary General (A / CN. 9 / 302).*
75. Miramon, J. (1982). *Countertrade: a modernized barter system.* 114 OECD Observer, January.
76. Ruben, B. & Josephine, E. (1987). *Counter trade as a form of debt payment.* University of Pittsburgh for CIED.
77. Thomas B. & Mc. V. (1980). *Countertrade & barter: alternative trade financing by third world nations.*
78. Verzariu, P. (1992). *International Coutertrade.* US Department of Commerce, USA.
79. <http://www.irta.com>.
80. <http://www.mena-legal.com>.